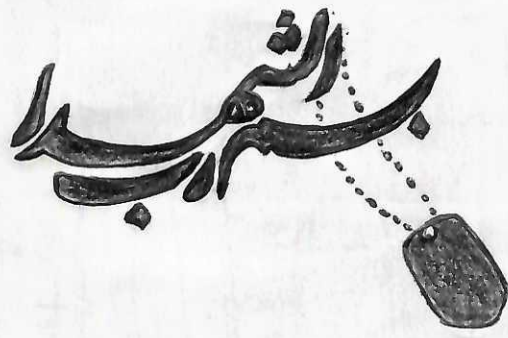




هنوز هم رزمندہ ایم



• مشرفات اعصابی گروہ :

• نام و نام خانوادگی : نرجس صالحی

• نام و نام خانوادگی : فاطمہ سلیمانی راد

• نام و نام خانوادگی : رحمانہ لطفی

• کلاس : یازدهم تجربی

• مقطع و نام مدرسہ : متوسطہ دوم شاہد حضرت محمدی (عج)
اصفہان - ناحیہ ۵

• نسبت ایشان لکری : —

شهدای محفل بشریت اند. آری! آنان که بازفتشگران به ما در مع آزادگی، غیرت و شجاعت آموختند؛
آنان که مرادمان از جان گذاشتند تا آسایش و آرامش را به ما هدیه دهند.

چه کسی می داند جنگ چیست؟ چه کسی می داند فردی که یک تیر خنجره تلخ چند نفر را کشته می کند؟
جنگ یعنی سوختن، یعنی آتش، یعنی گریز به هر جا، به هر جا که این جانهاست. یعنی اضطراب
که کودک کجاست؟ جوانم چه می کند، در محرم چه شد؟ به راستی ما کجای این سوال و جواب ها ایستاده ایم؟
گرام دختر دانشجو یا دانش آموزی که حتی حوصله ندارد، عکس های جنگ را ببیند و اخبار جنگ را بشنود،
از قبیله دختران سوخته خبر دارد؟ گرام پسر دانشجو یا دانش آموزی می داند هوای کجاست؟ چه کسانی
در آنجا جنگیده و به شهادت رسیده اند و یا در آنجا دفن شده اند؟ و هزاران سوال دیگر.

اگر بخواهیم جواب در خور برای این سوال ها داشته باشیم با درجی کنیم به کتاب ها، نامه ها، وصیت نامه
شهدای عزیز و البته جانبازان که می توانند اطلاعات و هر آنچه که را نیاز و تفریه فکری است را به بهترین
شکل ممکن در اختیار مردم قرار دهند البته این نیازها وظیفه مسئولین و کسانی که در این زمینه پرچم دار هستند چند
برابری کند.

کشور ما هاله است که رشادت و جوانمردی و از خود گذشتگی های فرزندان را به خود دیده است. از همان آغاز
انقلاب، ۸ سال دفاع مقدس، جنگ نرم، ترورهای پشت پرده دانش منان عزیز کشور، مرافقان حرم و مرافقین
سلامت و... از جمله مراحل هستند که عزیزان و جوانان غیور و دلدار کشورمان با جان و دل در آن حماسه
آفریدند و با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نمودند و آن را به درختی تنومند و پویا تبدیل کردند و این وظیفه
ماست که از این درخت پرثمر چاشنی و محافظت کنیم و آن را نیرومندتر از قبل به شل های آینده تحویل دهیم.
چنانچه کلاس شهدا گذریده ای از این رشادت ها و جوانمردی ها را در بخش هایی از این نشریه بیابیم.

مانا خراسانی

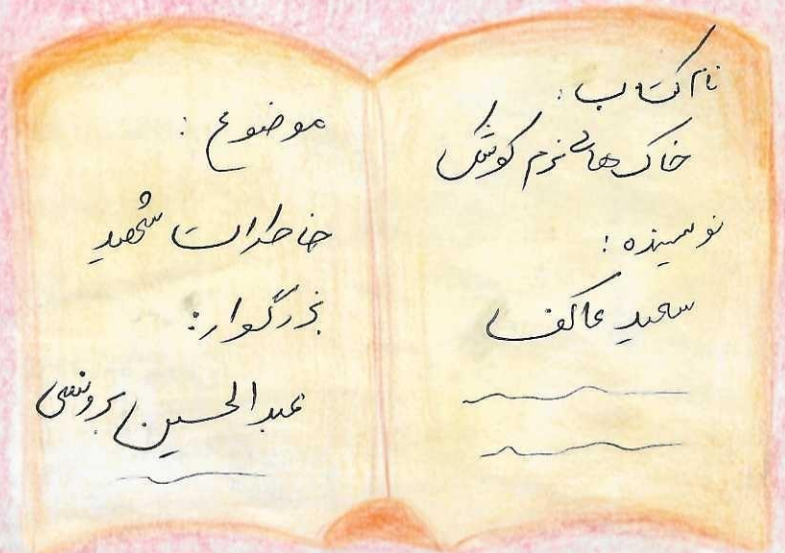
معرفی کتاب :

خاک های نرم کوشش

کتاب خاک های نرم کوشش، پیرامون زندگی شهید عبدالحمین جروشی، به قلم سعید عارف می باشد. این کتاب یکی از پرورش ترین کتاب های ذیاع مقدس به شمار می آید که توسط انتشارات ملک اعظم منتشر شده است. این کتاب شرح حال انسانی و الهی است که قبل از انقلاب در روزهای گلبرگی گلگون از خواجه تربت حیدریه به کار سخت و طاقت فرسای جنایی مشغول بود و در کنار آن به خواندن دروس حوزوی نیز روی آورده بود تا اینکه بعدها به علت شدت یافتن مبارزات، او زندانی و سرور مشکب های وحشیانه ساواک قرار گرفت. با چهره انقلاب اسلامی در ایران زمینه های لازم برای رشد و مهیا شدن وادچنان لیاقتی از خود نشان داد که زباند همگان شد و دانش حتی در محافل خبری استکبار جهانی خیز راه یافت. رمز رسنگاری این شهید عبودیت و جنگی بی قید و شرط او در مقابل حق و حقیقت بوده است. این کتاب از جزوین فصل و خاطرات بسیار تشکیل شده است.

آخه ما را به تأمل در زندگی این بزرگوار واهی دارد، رمز همین صوفیت های دبیارش است در زمینه های مختلف.

کتاب خاک های نرم کوشش، پیرامون زندگی شهید عبدالحمین جروشی، به قلم سعید عارف می باشد. این کتاب یکی از پرورش ترین کتاب های ذیاع مقدس به شمار می آید که توسط انتشارات ملک اعظم منتشر شده است. این کتاب شرح حال انسانی و الهی است که قبل از انقلاب در روزهای گلبرگی گلگون از خواجه تربت حیدریه به کار سخت و طاقت فرسای جنایی مشغول بود و در کنار آن به خواندن دروس حوزوی نیز روی آورده بود تا اینکه بعدها به علت شدت یافتن مبارزات، او زندانی و سرور مشکب های وحشیانه ساواک قرار گرفت. با چهره انقلاب اسلامی در ایران زمینه های لازم برای رشد و مهیا شدن وادچنان لیاقتی از خود نشان داد که زباند همگان شد و دانش حتی در محافل خبری استکبار جهانی خیز راه یافت. رمز رسنگاری این شهید عبودیت و جنگی بی قید و شرط او در مقابل حق و حقیقت بوده است. این کتاب از جزوین فصل و خاطرات بسیار تشکیل شده است.





• معرفی دانشمند

• شهید مسعود علی محمدی

شهید مسعود علی محمدی، فروردین ۱۳۴۰ خورشیدی در خانواده‌ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان ایدز چشم جهان گشود. او در همان شهر مقاطع ابتدایی تا متوسطه را گذراند. مسعود از هوش و استعداد قابل توجهی برخوردار بود. وجود روحیه حساس، گشاده رویی و خوش خلقی از او شخصیتی دوست داشتنی ساخته بود و همین امر سبب جذب دوستان زیادی شد و بیشتر همکلاسی‌های علی محمدی به یاد دارند که وی از دانش آموزان ممتاز و کوشا و از بهترین شاگردان همدانده می‌شد.

دوران جوانی مسعود، همزمان با اوج گیری تظاهرات ملت ایران شد؛ او با سفرهای و بردایی نماز جماعت در دبیرستان به مبارزه و فعالیت در گروه‌های سیاسی می‌پرداخت. او ضمن عضویت در انجمن اسلامی دبیرستان، عضو هیئت‌های فعال مسجد جامع نیز بود...

شهید علی محمدی، سرپرست کارشناسی را از دانشگاه شیراز در ۱۳۶۴ خورشیدی و کارشناسی ارشد را در ۱۳۶۷ و دکتری فیزیک با گرایش ذرات بنیادی را از دانشگاه صنعتی شریف در ۱۳۷۱ خورشیدی، کسب کرد. او از دانشجویان نخستین دوره دکتری فیزیک در داخل ایران بود و نخستین شخصی بود که در ایران دکتری خود را در فیزیک کسب کرده و همچنین نخستین دانشجو پساکترا در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بود.

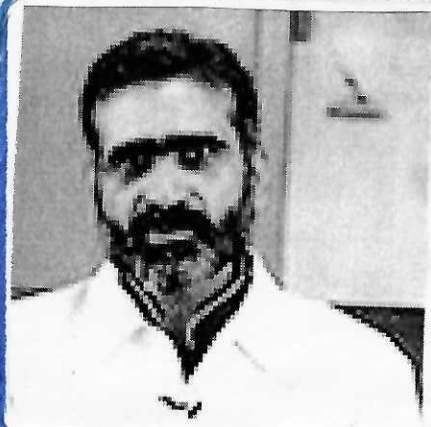
تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی بوده است. او با پژوهشگاه دانش‌های بنیادی یا مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات نیز طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ خورشیدی همکاری داشت.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های او، همواره تعریف روشی قانع‌کننده در وجود ملاک‌ها و معیارهای علمی برای انتخاب مدیران علمی بود. از جمله مسئولیت‌های مرتبط علمی او می‌توان به ریاست گروه فیزیک، معاونت پژوهشی پردیس علوم و عضویت در هیئت مدیری دانشگاه تهران اشاره کرد. علی محمدی با تمام فعالیت‌هایش، یکی از پژوهشگران کرازاد فیزیک ایران بود. زمینه تحقیقاتی وی به طور عمده فیزیک انرژی‌های زیاد، مرزهای حل پذیر، تا حدودی

ماده چگال ذرم و در اواخر، گرانش و کیهان‌شناسی بود. پیرار جاع ترین مقاله وی نیز مقاله ای در مورد پروسه‌های کاتوره‌ای غیر تعادلی بود.

سرانجام شهید علی محمدی در ۲۲ دی ۱۳۸۱ خورشیدی در حالی که قصد خروج از منزلش را داشت بر اثر انفجار یک بمب کنترل از راه دور ترور شد. در ۲۰ آذر ۱۳۸۹ خورشیدی، وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که موفق به دستگیری عامل این اقدام شده و طی اعترافات تلویزیونی، مجید جلی نشی به نقش خود در ترور شهید علی محمدی اعتراف کرد.





گفتگو با:
جناب آقای
علی عنایتی

• مصاحبه

• مردی که در جنگ جبهه جنگید

- هشت سال دفاع مقدس

- مدافع حرم

- مدافع سلامت



و با زبان شیوای خاطرات می‌گوید، چو زمانی
در مقابل بعضی‌های عراق جنگیدیم و سال‌ها بعد
شانه به شانه سربازان عراقی برای یک هدف
مشترک در سوریه و عراق لباس نبرد به تن کردیم.
خاطراتش آنجا که از قتل عام ۱۴۰ انسان بی‌گناه
به یهانه مراده با ایوانیان توسط داعش می‌گوید
بعضی می‌شود در گلویمان و آنجا که از هشتین اش
با سردار دل‌های می‌گوید لبخندی شود روی صورتش

«علی عنایتی» در عملیات بیت المقدس ۲
از نقش هزار و دستگیری تا جلع شش‌هفته
مثل خیل از جوان‌های آن روزگار، دلقوش
اش توپ چهل تکه و زمین خاکی فوتبال محله
بود تا اینکه حضور اتفاقی در چادگان دوکوه آن
هم دو سال بعد از آغاز جنگ، اولین فصل عاشقانه
هایش را رقم زد. او داستان شریفی کتاب زندگی
اش را از اساطیری روایت می‌کند؛ در جنگ که
شروع شد من چهارم ابتدایی بودم. دلام پاسدار
بود و مرتب به جبهه می‌رفت. تعطیلات نوروزین
سال ۶۲، چند روزی با پدرم به چادگان دوکوه

این مرد در سه جبهه جنگیده است. یک
روز با شش‌هفته دستکاری شده به جبهه‌های
جنگ رفت، سال‌ها بعد دوشادوش سردار سلیمانی
و مرافقان حرم با تکفیری‌ها جنگید و حالا در مرز ۵۰
شاللی، مدافع سلامت است. با خاطرات این
مرد گریستیم و خندیدیم.

وقتی ۱۵ ساله بود با جلع شش‌هفته خورش
را به جبهه رساند و شد روزمنده و در مقابل بعضی
های عراقی سینه سپر کرد. سال‌ها بعد شانه
به شانه عراقی‌ها برای دفاع از حرم در برابر نیروهای
تکفیری جنگید، در کسوت بهادر رزمی، ناجی
سربازان عراقی و سوار شرد و تغییر زیبایی از
این دو حضور داشت.

فصل سوم جهاد «علی عنایتی» اما با کرونا
گره خورد. داوطلبانه و در دوران بازنگشتگی لباس
مرافقان سلامت را بر تن کرد و به جنگ بارش
نامرئی رفت. کتاب خاطرات این مدافع سلامت
پراست از روایت‌های ناب و جذابی که پاسخی
است بر بسیاری از سوالات جوان‌های امروزی

رفتم. در یادگان دوکوهه مکبر شدم. عاشای شور و هیجان رزمنده‌هایی که اغلب کم سن و سال بودند برای من عجیب بود. آن تصاویرها، شب‌های یادگان دوکوهه، غار شب‌های رزمنده‌های ۱۵-۱۶ ساله‌ای که صبح‌ها اسلحه به دست از یادگان آماده اعزام می‌شدند، یک دل‌ده‌صدر دل مرا عاشق خرد کرد و از آن روز به بعد همه خدمت این جود که من هم رزمنده شوم.

وقتی برگشتم، هرکاری کردم که بتوانم به جبهه بروم، نشد. من، فقط ۱۳ سال داشتم. با خواهرم نقش کشیدیم که نزار کم. یک ساک دستی کوچک برداشتم. به جهانه جازی از خانه بیرون رفتم و خواهرم ساک دستی را از دیوار حیاط پرانم به کوچه انداخت. نقشه بچه‌گانه مان این بود که به ایستگاه راه آهن بروم و پنهانی وارد قطاری شویم که رزمنده‌ها را به اهواز می‌برد. می‌خواستیم در محل بار و آلن قطار پنهان شویم. نقشه ام، نقشه بر آب شد. پلیس مرا تحویل خانواده ام داد. مری از رفیق‌ها امیر شدم تا اینکه با خواهرم نقش جدیدی کشیدیم. شناسنامه خواهرم که در ۱۴ سالگی فوت کرده بود و هنوز باطل شده بود را از کمد برداشتم. شناسنامه قبلاً حنیس شده بود و اسم و نامیلی تقریباً پاک شده بود. خلاصه با هر روشی که بود، اسم خودم را نوشتم و سنم را به ۱۸ رساندم. با شناسنامه جعلی به بسیج محله رفتم و ثبت نام کردم، بعد از آموزش بالاخره اعزام شدم.

کتاب زندگی «علی عبادستانی» به فضل دوم که می‌رسد، خواندنش تروشنیدنی‌تر هم می‌شود. وقتی از جهاد در سوریه و عراق می‌گوید: «جنگ با گروه‌های تکفیری که در سوریه شروع شد، من را و طلب حضور در سوریه و عراق شدم. البته در سال ۹۱ حضور نیروهای مستشار ایرانی در سوریه بسیار محدود و محرمانه بود. من به عنوان بهادر رزمی برای اولین عملیاتی که بچه‌های حزب الله لبنان برای آزادی شهر «الدحیر» داشتند اعزام شدم، آن زمان خانواده‌هایمان هم در جریان نبودند. ما برای پوشش امراری و بهیاری می‌رفتیم.»

• خبرنگاری فارس خیبر

مأموریت علی عبادستانی در سوریه و عراق تمام شده بود از بازگشت به ایران، بازنگشته شد؛

امارای خدمت را از تن درخیاورد و وقتی کرونا آمد فضل هم جها را با حضور در میان بیاران کرد و می‌لَم زد. او درباره دلیش برای ادامه دادن جهاد می‌گوید: «در زمانی که زنده هستیم، تکلیف از دوش

ما برداشته نمی‌شود. ممکن است ماهیت آن تغییر کند، اما اصل تکلیف سر

جای حورش هست. کرونا بیماری مهلکی بود که سلامت مردم را نشانه گرفته

بود. من باید ارای تکلیف می‌کردم. برایم مهم نبود که بازنگشته شده بودم.

پس اعلام آمادگی کردم. خبر با کرونا، از نظر من که هر دو جبهه را تجربه کرده

بودم، تفاوتی با جنگ‌های دیگر ندارد. در این چندماه بسیاری از خاطرات

در جبهه و دفاع از حرم مرور شد، همان ایثارها، همان فداکاری‌ها، پزشکی که

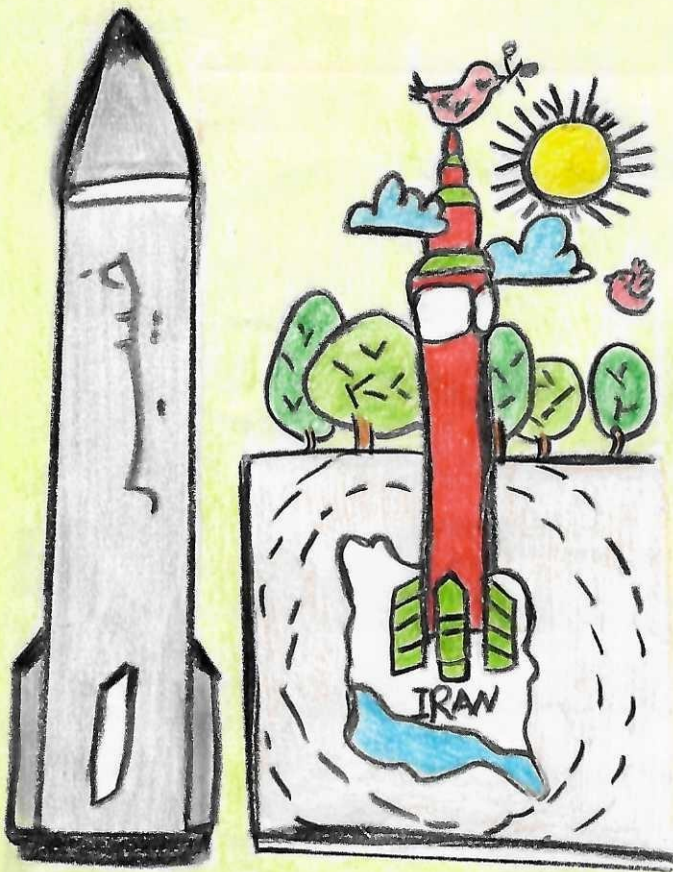
با وجود ابتلا به کرونا، استراحت را بر حورش حرام کرده بود تا جان بیمار را نجات

دهد و... برای من یک یادآور یادآوری شیرین از روزهای جنگ بود.»



تخلیل پدیده‌ها

خبرهای داغ موشکی



گذراش خبرنگاری دفاعی ایرنا، به مناسبت سوم خرداد سالروز آزادسازی خرمشهر، موشک خرمشهر ۴ با نام «حیبر» جدیدترین محصول موشکی سازمان صنایع هوای وزارت دفاع، صبح پنجشنبه با حضور اسیر سرتیپ محمد رضا آشتیانی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح رونمایی شد.

موشک حیبر که جدیدترین دستاورد از خانواده موشک‌های خرمشهر است، موشکی سوخت مایع با برد ۲۰۰۰ کیلومتر و سرچنگی ۱۵۰۰ کیلوگرمی است که علاوه بر درخورداری از ویژگی‌های راهبردی، از ویژگی‌های تاکتیکی نیز برخوردار است.

از جمله ویژگی‌های بارز موشک خرمشهر، درخورداری از سامانه هدایت و کنترل در فاز میانی پرواز است که استفاده از این سامانه و مودورهای هدایتگر در سرچنگی مورد، کنترل وضعیت و اصلاح مسیر سرچنگی در خارج از جوئی شود و عملاً تمام هدایت و کنترل این موشک در خارج از جو زمین رقم می‌خورد.

این ویژگی منحصر به آن می‌شود که خرمشهر ۴ یا حیبر بی‌نیاز از فعالیت سیستم هدایت و کنترل در داخل جو باشد و به این ترتیب در برابر حملات جنگ الکترونیک به طور کامل مصون باشد. از دیگر مزایای این فرایند هدایت و کنترل، بی‌نیازی سرچنگی موشک خرمشهر ۴ به باتک‌های کنترلی است که باعث کاهش وزن سیستم‌های مورد نیاز در سرچنگی و افزایش وزن موثر آن می‌شود.

سرعت آماده‌سازی و روانه‌سازی بسیار کم نیز از دیگر ویژگی‌های بارز

خرمشهر ۴ است که از این موشک در کنار ویژگی‌های راهبردی آن، یک موشک تاکتیکی نیز ساخته می‌شود. مدت زمان لازم برای شلیک این موشک به دلیل استفاده از سوخت خودمستقل (هایدروکولیک)، بی‌نیازی از تزریق سوخت راه انداز و هوا و عدم نیاز به شانه‌ای افقی پس از عمودسازی، کمتر از ۱۲ دقیقه است و هم‌چنین به دلیل درخورداری از محازن جدید سوخت، می‌توان سوخت را در آن تزریق کرد و موشک را به مدت چند سال در حالت شارژ، نگهداری کرد.

• خبرگزاری ایرنا

عشق بود و جبهه بود و جنگ بود
هر که تنها بر سلاحش تکیه کرد
در شبی که اشکمان چون رود شد
آن که سردارد به سامان می‌رشد
دیده‌ام، دستی به سوی ماه رفت
زندگیان در مسیر تنی بود
آنگاه خود را مرد میدان فرض کرد
هر که گردد سخته چون پروانه است
تن به خاک و جوی یا هوش می‌رشد
دشمن افکن های بی دام و نشان
کار هر کس نیست این دیوانگی
عروبه بر گردان عاشق تنگ بود
مالاری در خد خود راه دیده کرد
یک نفر از بین ما سقوط شد
آن که جان دارد به حاکمان می‌رشد
بی سرو جان تا لقاء الله رفت
خاک جبهه، خاک دامنگیر بود
آمد از این نقطه طی الارض کرد
پیکر صد چاره اش بر شانه است
جوی بازوت از لباسش می‌رشد
چو که می‌خویش سوره تمجیدشان
پدیده وای ماخذ از پروانگی

• سادیت دیرین (فغان سوزش)



سازمان